

سنجش الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی مبتنی بر شبکه تار عنکبوتی اکر

داوود باوفا، مرضیه دهقانی*، محمد جوادی پور، رضا محمد کاظمی^۲

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲	دستیابی به یک برنامه درسی مطلوب و حرکت در جهت نیل به دانشگاه‌های کارآفرین، یکی از راهکارهای اصلی برای حل معضل بیکاری، فقر و اقتصاد به کما رفته کشور است. یکی از کامل‌ترین الگوهای برنامه درسی، شبکه تار عنکبوتی اکر است؛ که منطق را به عنوان عنصر اصلی و رسالت مرکزی برنامه درسی معرفی کرده است. هدف این مطالعه "سنجش یک الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی مبتنی بر شبکه تار عنکبوتی اکر" است که به روش سنتز پژوهی انجام شده و ۱۸۳ مقاله (۷۵ مقاله فارسی و ۱۰۸ مقاله انگلیسی)، به فرایند سنتز پژوهی وارد شده‌اند. پس از دستیابی به عناصر برنامه درسی کارآفرینی منطبق بر ۱۰ عنصر مدل اکر، روایی محتوایی عناصر به دست آمده بررسی و الگوی حاصل با روش دلفی اعتباربخشی شد و الگوی نهایی طراحی و تدوین گردید. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد، منطق برنامه درسی کارآفرینی، توسعه روحیه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و جامعه است. ارتقای شایستگی‌های کارآفرینی در دانشجویان و تقویت قصد کارآفرینی در آن‌ها از مهم‌ترین اهداف برنامه درسی کارآفرینی است. محتوا بایستی رویکردی منعطف و مبتنی بر نیاز داشته باشد. اختصاص زمان و مکان مناسب، حمایت از ایده‌های کارآفرینانه، کار گروهی دانشجویی بر روی پروژه‌های واقعی کارآفرینی و استفاده از روش‌های مختلف ارزشیابی از دیگر ضروریات برنامه درسی کارآفرینی هستند. در چنین فرایندی، دانشجو نقشی فعال داشته و استاد تسهیل کننده یادگیری است.
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵	
نوع مقاله: پژوهشی	
واژگان کلیدی	
برنامه درسی، سنتز، شبکه تار عنکبوتی اکر، علوم تربیتی، کارآفرینی	

۱. دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. d_bavafa@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار، عضو هیئت علمی گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. dehghani_m33@ut.ac

۳. دانشیار، عضو هیئت علمی گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. r_mkazemi@ut.ac

۴. دانشیار، عضو هیئت علمی گروه کسب و کار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ایران. javadipour@ut.ac.ir

مقدمه

با توجه به دیدگاه جهانی در بحث توسعه کارآفرینی، این موضوع از اهمیت بسزایی در میان کشورهای جهان برخوردار بوده است، به طوری که سازمان علمی - آموزشی ملل متحد (یونسکو)، در چشم انداز آموزش عالی برای قرن ۲۱، با ظهور نسل سوم دانشگاه‌ها تحت عنوان "دانشگاه کارآفرین"، دانشگاه‌های جدید را دانشگاه‌هایی می‌داند که در آن‌ها مهارت‌های کارآفرینی با هدف تسهیل توانمندی فارغ التحصیلان و تبدیل شدن آن‌ها به افرادی کارآفرین و به تبع آن جامعه‌ای کارآفرین و نوآور توسعه می‌یابد (یونسکو^۱، ۲۰۱۵). از نظر لغت نامه مریام وبستر^۲، کارآفرین فردی است که یک شغل را ایجاد می‌کند و تمایل به ریسک‌پذیری در جهت درآمدزایی دارد. ژوزف شومپیتر^۳، پدر علم کارآفرینی، کارآفرینی را به‌عنوان تخریب خلاق تعریف می‌کند (احمدپور، ۱۳۹۱). از نظر او یک مدیر زمانی کارآفرین قلمداد می‌شود که تخریب خلاق یا نوآورانه از خود بروز دهد (احمدپور، ۱۳۹۱: ۱۰). شومپیتر، کارآفرینی را عرضه‌ی کالایی نو، روشی بدیع در تولید، خلق بازاری جدید، یافتن منابع تازه و همچنین ایجاد هر گونه تشکیلات نو در کسب و کار می‌داند (احمدپور و مقیمی، ۱۳۹۰).

آموزش را می‌توان کلید توسعه تکامل و یک سلاح مهم برای توسعه اجتماعی اقتصادی و سیاسی هر ملتی دانست. مشکلات مربوط به کیفیت پایین آموزش بر مولد بودن دانشجویان تأثیر منفی گذاشته و باعث فارغ التحصیلی دانشجویان از دانشگاه بدون کسب مهارت‌های لازم و عملکرد مناسب در حوزه تخصصی مربوط به رشته خود می‌شود. این درحالی است که سرمایه‌گذاری بنیادی و اولیه برای رشد هر کشوری، بهبود کیفیت آموزش است که بتواند دانش‌آموختگانی تربیت کند که قادر به تولید باشند، بتوانند از تکنولوژی‌های موجود بهترین استفاده را ببرند و در رشد اقتصادی کشور مشارکت کنند. بنابراین، توسعه آموزش کارآفرینی باعث رشد خلاقیت و اعتماد به نفس، رشد فردی و ملی جامعه شده و می‌تواند فقر را کاهش دهد و اقتصاد به کما رفته یک کشور را بیدار کند (آلاچی^۴، ۲۰۱۷). آموزش کارآفرینی، از طریق ارائه مباحث مرتبط با برنامه‌ریزی کسب و کار، مالی، مدیریتی و سایر مباحث مرتبط با خلق شغل، منجر به تقویت خودکارآمدی کارآفرینی

-
1. UNESCO
 2. Merriam-Webster
 3. Joseph Schumpeter
 4. Alachi

و قصد کارآفرینی در دانشجویان می‌شود (ناوینسکی، حدود، لنکریک، اگروا و کزگلدی^۱، ۲۰۱۹). آموزش کارآفرینی به دانشجویان در شناسایی فرصت‌ها و مدیریت تضاد کمک کرده و باعث تقویت ذهنیت کارآفرینی در آن‌ها می‌شود (سانتوس، نیومایر و موریس^۲، ۲۰۱۸). آموزش کارآفرینی و دانشکده‌های کارآفرینی اگر با هدف صحیح و شیوه درست مدیریت شوند، باعث کاهش فقر و بیکاری می‌شوند (گامد^۳، ۲۰۱۹).

با وجودی که در دهه‌های اخیر، اهمیت زیادی به آموزش کارآفرینی داده شده است، اما هنوز در این زمینه کمبودهای زیادی احساس می‌شود، تا جایی که می‌توان گفت آموزش کارآفرینی هنوز بر پایه سخنرانی است که نمی‌تواند پاسخگوی نیاز آموزشی دانشجویان در محیط‌های کاملاً پیچیده شغلی باشد (گونگ^۴، ۲۰۲۰). هدف از همه برنامه‌های درسی، رفع نیازهای آموزشی فراگیران به ویژه در جامعه است. هرچند هیچ یک از برنامه‌های درسی طراحی شده خالی از نقص و بدون نیاز به نقد نیستند، اما باید در نظر داشت که برنامه درسی یک سند زنده و سیال است که بایستی منطبق بر نیازهای جامعه تغییر یافته تا بتواند نقش موثر و پویایی در فرایند آموزش داشته باشد (السوبای^۵، ۲۰۱۶). برنامه درسی در نگاهی کلی، تجربیات آموزشی سازمان‌یافته، خلاق و ارزیابی‌کننده‌ای است که به صورت هوشمندانه یا غیرهوشمندانه برای فراگیران تهیه و تدارک دیده می‌شود و تحت نظارت موسسه آموزشی برای رسیدن به برآیندهای یادگیری در جهت رشد، بلوغ و تعلیم فراگیران برای کارایی بهتر و زندگی در جامعه در حال تغییر به اجرا در می‌آید (مولنگا^۶، ۲۰۱۸). هدف همه برنامه‌های درسی کارآفرینی، ترغیب دانشجویان به شروع شغل و توسعه دانش و شایستگی‌ها در حوزه عملکردی‌شان است (هرکما و پاپسکو^۷، ۲۰۱۵). آموزش کارآفرینی باید منجر به توانمند شدن دانشجویان تا سرحد شروع یک کسب‌وکار پس از فراغت از تحصیل شود. چنین آموزشی باید بتواند مهارت‌هایی چون حل مسئله، تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی را در دانشجویان افزایش دهد (دوسی و سپنی^۸،

-
1. Nowiński, Haddoud, Lančarič, Egerová & Czeglédi
 2. Santos, Neumeyer & Morris
 3. Gamede
 4. Gong
 5. Alsubaie
 6. Mulenga
 7. Harkema & Popescu
 8. Deveci & Cepni

۲۰۱۷). بنابراین، در راستای رسیدن به هدف تربیت دانشجویانی کارآفرین، طراحی یک برنامه درسی منطقی و مطلوب برای آموزش کارآفرینی ضروری به نظر می‌رسد. تهیه چنین برنامه‌ای، تقاضای فوری برای پیاده سازی نوآوری در سطح جامعه و روشی ضروری برای پیشرفت نظام آموزش عالی و همچنین اقدامی مهم برای ارتقای اشتغال و کارآفرینی با کیفیت متعالی در دانش‌آموختگان دانشگاه‌هاست (بای، گو و ونگ، ۲۰۱۷).

آموزش کارآفرینی و برنامه درسی کارآفرینی در کشور ایران، با توجه به آمار بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و همچنین دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۲)، از اهمیت زیادی برخوردار است. متأسفانه طبق آمار، فارغ التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و از جمله رشته علوم تربیتی، درصد بالایی از بیکاران را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی، آموزش عالی بایستی رویکردی اتخاذ کند که در کنار ارائه دانش به روز و جدید، کارآفرینی را در دانشجویان نهادینه کند که این هدف جز با تغییر برنامه‌های درسی آن‌ها و گنجاندن کارآفرینی در برنامه درسی اصلی رشته‌های مختلف و به خصوص علوم تربیتی، میسر نخواهد شد (سیف نراقی و اولادیان، ۱۳۹۰). برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی پس از بازنگری در سال ۱۳۹۵ به شکل چهار زمینه شامل: مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، تکنولوژی آموزشی، آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه و آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان در آمده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برنامه درسی علوم تربیتی، ۱۳۹۵). در بررسی صورت گرفته، فقط در گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، درسی با نام کارآفرینی آموزشی ارائه می‌شود و سه گرایش دیگر این رشته، از گذراندن این درس حتی به صورت اختیاری محروم هستند (باوفا، دهقانی، جوادی‌پور و کاظمی ۱۳۹۸).

بنابر اهمیت آموزش کارآفرینی، مطالعات مختلفی صورت گرفته است؛ مطالعه‌ای با عنوان "آموزش کارآفرینی به عنوان بخشی از برنامه‌درسی دانشگاهی: یک مرور نظام‌مند از وقایع و شواهد" در مورد برنامه‌درسی کارآفرینی مستخرج از کشورهای انگلستان، آفریقای جنوبی، هنگ کنگ، مالزی و نروژ انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد در بعد هدف (خودکارآمدی کارآفرینی و رهبری)، در بعد محتوا (اخلاقیت، خطرپذیری، تعامل اجتماعی و مشاهدات، برنامه‌های چند رشته‌ای)، در نقش معلم (به‌عنوان فردی کارآفرین)، در بعد مواد و منابع (انتقال تجربه صنایع بیرونی

به کلاس، استفاده از نرم افزارهای شبیه سازی) در ایجاد انگیزه و قصد کارآفرینی در دانشجویان موثر بوده‌اند (کاپیل^۱، ۲۰۱۵). مطالعه دیگری با عنوان "برنامه‌درسی آموزش کارآفرینی در رشته‌های علوم اجتماعی و رفتاری در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های جهان" به صورت مقایسه‌ای انجام شد که یافته‌های آن نشان داد، برنامه درسی آموزش کارآفرینی در دانشگاه تهران، موضوع محور و سستی است، در حالی که برنامه درسی کارآفرینی در دانشگاه‌های پیشرو جهان، مبتنی بر شایستگی محوری است به طوری که اهداف برنامه درسی بر اساس تقویت تفکر درباره مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های بین رشته‌ای، شناسایی فرصت‌ها، پرورش خلاقیت، ارزشیابی سرمایه، ملاقات با کارآفرینان، تأمین مالی دانشجوی برای سرمایه‌گذاری و آشنایی با مبانی کارآفرینی تمرکز دارد. محققان مطالعه مذکور در پایان بر ضرورت تغییر برنامه‌های درسی کارآفرینی در سطح دانشگاه‌های ایران اشاره کردند (حکیم زاده، ملکی، دهقانی و زالی ۱۳۹۵). مطالعه دیگری با عنوان "موقعیت برنامه درسی کارآفرینی در دانشکده کشاورزی دانشگاه‌های بوعلی سینا، رازی و کردستان" انجام شد. نتایج مطالعه مذکور نشان داد، برنامه درسی کارآفرینی ارائه شده وضعیت کلی مطلوبی نداشته است و کمترین امتیاز مربوط به استفاده از شیوه‌های ارزشیابی متنوع، تعیین اهداف مناسب برای درس، برگزاری بازدید و گردش علمی بود. نویسندگان در پایان، با استناد به وضعیت نامناسب برنامه درسی ارائه شده، پیشنهادهایی برای بهبود اهداف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی ارائه کردند (موحدی، حیدری و سعدی، ۱۳۹۵).

به طور کلی، آنچه از مرور ادبیات پیرامون برنامه درسی کارآفرینی به دست می‌آید، نشان‌دهنده ضرورت تغییر برنامه‌های درسی کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است. اکثر مطالعات نشان می‌دهند که هنوز آموزش کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها حالت سستی و به اصطلاح رویکرد معلم محوری داشته و نقش دانشجوی در آن غیر فعال است (تائو^۲، ۲۰۱۷؛ حکیم زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ کلیفورد^۳، ۲۰۱۴). اکثر مطالعاتی که با هدف توسعه و طراحی برنامه‌های درسی کارآفرینی صورت گرفته‌است، چهار عنصر اصلی، هدف، سازماندهی محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی را مدنظر قرار داده‌اند و علاوه بر آن قدیمی هستند (مذبوحی، شرفی و مقدم، ۱۳۹۵، کوثری و نوروززاده، ۱۳۸۸؛ یدالهی فارسی و میر عرب رضی، ۱۳۸۸) اما مطالعات

-
1. Kapil
 2. Tao
 3. Clifford

اندکی از این ده عنصر (منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش استاد، گروه‌بندی، منابع، مکان، زمان، ارزشیابی) برای برنامه درسی کارآفرینی در سطح آموزش عالی بهره برده‌اند (اسن^۱، ۲۰۱۵) و چنین مطالعه‌ای در رشته علوم تربیتی به دست نیامد. به دلیل اهمیت توسعه آموزش کارآفرینی و نیاز به اصلاح برنامه درسی کارآفرینی به ویژه در رشته علوم تربیتی و به دست نیامدن مطالعه مشابه در جستجوی انجام شده، تصمیم گرفته شد، مطالعه‌ای با عنوان "سنتز یک الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی مبتنی بر شبکه تار عنکبوتی اگر" صورت گیرد تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱. اهداف ۲. منطق ۳. محتوا ۴. فعالیت‌های یادگیری ۵. نقش معلم ۶. منابع ۷. گروه‌بندی ۸. مکان ۹. زمان ۱۰. ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی چگونه است؟ و ۱۱. اعتبار الگوی طراحی شده از منظر متخصصان برنامه درسی و کارآفرینی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

فلسفه زیر بنایی اکثر پژوهش‌های کیفی مبتنی بر ساختارگرایی^۲ است که جهان‌بینی خاص خود را دارد. در این نوع جهان‌بینی یا پارادایم، معنای هر پدیده را مشارکت‌کنندگان در تحقیق و نگاه ذهنی آن‌ها به پدیده مورد نظر شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، دیدگاه‌های افراد منجر به شکل-گیری الگوهای گسترده‌تر و در نهایت یک نظریه می‌شود (کرسول و پلانوکلاک^۳، ۱۳۹۴).

سنتز پژوهی نوعی پژوهش تلفیقی با پارادایم ساختارگرایی است که هدف از آن، گرد هم آوردن مطالعات گوناگون و پراکنده در جهت نیل به دانش تلفیقی برای حل مسائل جاری یا مسائل نیازمند به تصمیمات عملی یا برنامه‌ریزی است (شورت^۴، ۱۳۹۶). سنتز پژوهی حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و با رویکردی آمیخته^۵ صورت گرفته است. سنتز پژوهی آمیخته، نوعی مرور نظام‌مند است که با هدف تلفیق یافته‌ها از مطالعات کمی و کیفی در حوزه مشترکی از تحقیقات تجربی صورت می‌گیرد. در چنین رویکردی، هم یافته‌های مطالعات کمی و هم کیفی اجازه ورود به مطالعه را داشته و هدف از وارد کردن آن‌ها، پاسخ به یک سوال مشترک پژوهشی

-
1. Esene
 2. Constructivism
 3. Cresol and PlanoClark
 4. Short
 5. Mixed research synthesis

است. این روش، یافته‌ها را به شکل معناداری خلاصه و سنتز کرده و درک کاملاً گسترده و جامعی به دست می‌دهد (ساندولوسکی، ویلز و باروسو، ۲۰۰۶؛ بوگر، الیس، لاتر، فوستر، کندی، جونز و دیگران^۱، ۲۰۱۵) مراحل سنتز پژوهی در مطالعه حاضر مطابق مراحل رابرتس^۲ (۱۹۸۳) انجام گرفته است که یکی از کامل‌ترین مراحل سنتز پژوهی است (شورت، ۱۳۹۶).

۱. شناسایی و شفاف کردن نیاز: جستجوی عمومی برای کسب دیدگاه جامع و تخصصی نسبت به مسئله پژوهش در پایگاه‌های علمی

۲. بازیابی اطلاعات و جستجوی منابع مرتبط: در این مرحله جستجوی گسترده در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و لاتین شامل: (ProQuest- Science direct- Scopus- Google) (noormags-IranDoc-Scholar- Magiran- Sivilica –SID Curriculum-Curricula-Entrepreneurship-Entrepreneurial-Education)

و معادل فارسی آن‌ها شامل آموزش، علوم تربیتی، آموزش و پرورش، کارآفرینی، کارآفرین، کارآفرینانه، برنامه درسی، برنامه‌های درسی و سپس مرور کلی عناوین و ذخیره مطالعات در نرم افزار END-NOTE صورت گرفته است.

۳. انتخاب، پالایش و سازمان دادن مطالعات: بازیابی مطالعات ذخیره شده و مطالعه چکیده و متن اصلی برای انتخاب نهایی جهت ورود به سنتز.

۴. تعیین چارچوب مفهومی متناسب با اطلاعات حاصل از تحلیل: استخراج مفاهیم مرتبط با آموزش کارآفرینی و عناصر برنامه درسی کارآفرینی و طبقه‌بندی آن‌ها در جداول مربوطه.

۵. ترکیب و تفسیر نتایج: کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم به دست آمده به وسیله نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA 10) و تعیین پایایی کدگذاری با استفاده از روش پایایی بین دو کدگذار^۳ (کوراساکی^۴، ۲۰۰۰) با کمک یک دانشجوی دکتری و کسب توافق (۸۵٪/۷۹) و تایید قابلیت اعتماد کدگذاری ها (کواله^۵، ۱۹۹۶).

-
1. Sandelowski, M., Voils, C. I., & Barroso, J
 2. Boger, Ellis, Latter, Foster, Kennedy, Jones, Fenerty, Kellar & Demain
 3. Roberts
 4. Inter-coder reliability
 5. Kurasaki
 6. Kvale

۶. ارائه نتایج حاصل از سنتز پژوهی: بررسی روایی محتوایی (CVR-CVI) الگوی به دست آمده و برگزاری دلفی برای اعتباربخشی آن با استفاده نظر متخصصان برنامه درسی و کارآفرینی.

یافته‌های توصیفی

عناصر برنامه درسی کارآفرینی: پس از انجام مراحل سنتز پژوهی، یافته‌ها نشان داد، مهم‌ترین عناصر برنامه درسی کارآفرینی که در مطالعات بررسی شده، بیشترین تأکید را در بین نویسندگان در حوزه آموزش عالی به ویژه در رشته علوم تربیتی داشته‌اند، به شرح جدول ۱ ارائه شد:

جدول ۱: مهم‌ترین عناصر برنامه درسی به دست آمده از سنتز پژوهی

عناصر برنامه درسی کارآفرینی	مؤلفه‌ها
منطق	تربیت شهروند کارآفرین و متفکر، توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌ها و کل کشور برای رشد، توسعه و رونق اقتصادی
اهداف	هدف کلی: تربیت دانشجویانی خلاق، خوداشتغال و کارآفرین اهداف جزئی: تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه، تقویت روحیه کارآفرینی، تقویت قصد کارآفرینی
محتوا	سازماندهی محتوا: مبتنی بر نیاز بازار و جامعه، مبتنی بر نیاز شغلی دانشجویان، بین رشته‌ای، تلفیق دروس نظری و عملی مهارت‌های عمومی کارآفرینی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، تصمیم‌گیری، کارگروهي، مهارت‌های تفکر
فعالیت‌های یادگیری	مهارت‌های حرفه‌ای کارآفرینی: دانش شغلی و مهارت شغلی مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی: مالی و حسابداری، بودجه، برنامه‌ریزی، مدیریت منابع انسانی، فنون رهبری مهارت‌های خاص کارآفرینی: مبانی و اصول کارآفرینی، شناخت بازار و مشتریان، شناسایی و خلق فرصت‌های کارآفرینانه، امکان‌سنجی ایده‌های کسب و کار، تدوین طرح کسب و کار، راه‌اندازی کسب و کار، سرمایه‌گذاری، خرید و فروش تجربه سرمایه‌گذاری، تدوین و راه‌اندازی کسب‌وکار، کارورزی و کارآموزی، طراحی محصول، مطالعات موردی در مورد ایده‌های کارآفرینانه دانشجویان، دعوت از کارآفرینان برای سخنرانی، شرکت در سمینار و کنگره، اتاق فکر، بازدید علمی، ارتباط با کارآفرینان، جلسات پرسش و پاسخ

عناصر برنامه درسی کارآفرینی	مؤلفه‌ها
نقش معلم	انتخاب رویکردی متنوع و فعال برای تدریس، الگوی نقش، تسهیل‌کننده، حامی، برنامه‌ریز و سازمان دهنده بازخورد دهنده موثر
مواد و منابع	تجهیز فضاهای آموزشی، تأسیس مراکز رشد، پارک علم و فناوری، مراکز رشد و دانش‌بنیان، برقراری تعامل بین صنعت و دانشگاه، حمایت مالی و معنوی از ایده‌های کارآفرینانه دانشجویان، دعوت از کارآفرینان برتر رشته علوم تربیتی برای تدریس و نظارت و شرکت در پروژه‌های کسب و کار
گروه‌بندی	گروه‌های چند رشته‌ای، گروه‌های کوچک کلاسی، انجمن استادان، کارآفرینان و دانشجویان، مباحثه و مناظره، مشارکت محوری
مکان	مکان امن و پذیرنده اشتباه، شغل محور و کارآفرین با قابلیت دخیل شدن دانشجویان در فرایند یادگیری
زمان	اولویت زمانی با مبانی نظری و سپس کار عملی با اختصاص زمان مساوی به هر کدام، هم‌زمان با سایر دروس، طول دوره سه تا پنج ترم متوالی، بیش از ۱۲ هفته
ارزشیابی	آغازین، تکوینی و تراکمی، به صورت متنوع و ترکیبی و تأکید بر ارزشیابی عملکرد محور و پروژه محور، کارپوشه، کتاب باز، خود ارزیابی و بازخورد مستمر به خود و همتایان، روش‌های مشاهده کمی و کیفی عملکرد

اعتباربخشی الگوی برنامه درسی کارآفرینی: بعد از استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین، عناصر برنامه درسی کارآفرینی در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار ۱۰ تن از متخصصان رشته برنامه درسی و کارآفرینی قرار گرفت تا روایی محتوایی مؤلفه‌های هر عنصر تایید و محاسبه شود. با توجه به اینکه شاخص روایی محتوایی (I-CVI) بایستی حداقل ۰/۷۰ و نمره شاخص روایی محتوای کل (S-CVI) باید بالاتر از ۰/۷۹ (محمدیگی، صالحی و گل، ۱۳۹۳) و حد نصاب پذیرش ضریب روایی محتوایی (CVR) بر اساس ۱۰ نفر ارزیاب بایستی ۰/۶۲ باشد (آلماناسره، مولز و چن^۱، ۲۰۱۹)، بنابراین، مؤلفه‌هایی حذف شدند که حد نصاب روایی محتوایی لازم را کسب نکردند. برای تایید الگو و سنجش اعتبار عناصر برنامه درسی طراحی شده، از تکنیک دلفی بهره گرفته شد. تکنیک دلفی به عنوان یک روش تحقیق، محبوبیت زیادی در بین رشته‌های مختلف علمی کسب کرده‌است. مزیت این روش وجود راهنمای عمل و کاربردی بودن برای

رشته‌های مختلف است (کندی^۱، ۲۰۰۴). همه انواع دلفی، صرف نظر از اهداف مورد نظر آن‌ها، خصوصیات مشترکی دارند که شامل: استفاده از پانل متخصصان، انجام به صورت مکاتبه‌ای^۲، سعی در رسیدن به اجماع، سعی در گمنام ماندن متخصصان، استفاده از بازخورد و بازگویی نظرات برای رسیدن به همگرایی یا واگرایی نظرات و ارائه خلاصه نتایج قبل از شروع مرحله جدید است (ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۴). شیوه برگزاری دلفی در مطالعه حاضر به این صورت بود که پانلی از هشت تن از متخصصان برنامه درسی و کارآفرینی تشکیل شد (جدول ۲). الگوی به دست آمده پس از بررسی روایی محتوایی، در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت. نظرات ایشان در اولین مرحله بررسی شد و مهم‌ترین نظرات در الگو اعمال و مجدداً الگو و نظرات، در اختیار اعضای پنل قرار گرفت. دوباره نظرات جمع آوری شد و در الگو اعمال گردید و برای بار سوم، الگوی اصلاح شده و نظرات در اختیار اعضاء قرار گرفت و در این مرحله علاوه بر اجماع نظرات به صورت کیفی، میزان توافق در مورد هر یک از عناصر نهایی، به صورت کمی و الگوی لیکرته پنج قسمتی (خیلی مخالفم تا خیلی موافقم) بررسی و ثبت گردید. متوسط میزان توافق اعضاء % ۸۷/۵ بود و بدین ترتیب الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی نهایی و مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۲: ویژگی‌های اعضای پنل دلفی برای اعتباربخشی الگوی برنامه درسی کارآفرینی

کد	تحصیلات	رشته تحصیلی	رتبه دانشگاهی	شغل	تخصص
۱	دکتری	برنامه ریزی درسی	استادیار	استاد دانشگاه	برنامه درسی
۲	دکتری	برنامه ریزی درسی	استادیار	استاد دانشگاه	برنامه درسی
۳	دکتری	برنامه ریزی درسی	دانشیار	استاد دانشگاه	برنامه درسی
۴	دکتری	برنامه ریزی درسی	دانشیار	استاد دانشگاه	برنامه درسی

1. Kennedy
2. Correspondence

۵	دانشجوی دکتری	برنامه ریزی درسی	دانشیار	کارمند آموزش و پرورش	برنامه درسی
۶	دانشجوی دکتری	برنامه ریزی درسی	-	دبیر آموزش و پرورش	برنامه درسی
۷	دکتری	مدیریت عمومی	استادیار	استاد دانشگاه	کارآفرینی
۸	دکتری	مدیریت تربیت بدنی	دانشیار	استاد دانشگاه	کارآفرینی

الگوی برنامه درسی کارآفرینی: پس از اجماع نظرات متخصصان جمع‌بندی نهایی صورت گرفت و الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی به شکل کلی زیر طراحی شد:



شکل ۱: الگوی برنامه درسی کارآفرینی بر اساس عناصر اکر

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه سنتز پژوهی حاضر منجر به طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی شد. یافته‌های مطالعه نشان داد، آموزش کارآفرینی با منطق و چرایی توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌ها، انتقال دانش از دانشگاه به زندگی و جامعه، ورود

دانش‌آموختگان به بازار کار، تغییر اقتصاد کشور از حالت سنتی به مدرن و از مصرف‌گرایی به تولید و در نهایت، رشد اقتصادی کشور انجام می‌شود. این خصوصیات که منطبق بر برنامه درسی کارآفرینی را تشکیل می‌دهند، کانون تمرکز آموزش کارآفرینی در دانشگاه و رشته علوم تربیتی هستند. با توجه به این مؤلفه‌ها، سایر عناصر برنامه درسی کارآفرینی قابل استخراج و تعریف اند. همسو با این یافته، کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۱، مطرح کرد که آموزش کارآفرینی باید در راستای آماده ساختن دانشجویان برای ورود به دنیای کار و اشتغال تعریف شود و به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند خصوصیات کارآفرینی را همیشه و همه جا در طول زندگی خود به کار برند (دوسی و سپینی، ۲۰۱۷). مطالعه دیگری نیز، تهیه برنامه درسی کارآفرینی را نیاز فوری برای پیاده‌سازی نوآوری در سطح جامعه و روشی ضروری برای پیشرفت آموزش عالی و اقدامی مهم در ارتقای اشتغال و کارآفرینی با کیفیت بالا برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها معرفی کرد (بای، گو و ونگ، ۲۰۱۷).

نتایج سنتز پژوهی در مطالعه حاضر نشان داد، اهداف برنامه‌های درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی بایستی چالش برانگیز، مسئله محور و مبتنی بر واقعیت‌های جامعه باشد و به گونه‌ای طراحی شود که منجر به تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه و ایجاد نگرش مثبت نسبت به تغییر شرایط موجود، توسعه فردی، تقویت تفکر و روحیه کارآفرینی در دانشجویان شده و آنان را عمل‌گرا و مشتاق به راه اندازی کسب‌وکار جدید نماید و در واقع قصد کارآفرینی و خود اشتغالی را در آن‌ها نهادینه سازد. در همین راستا، یافته‌های مطالعه دیگری نشان داد، آموزش کارآفرینی باعث افزایش قصد کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان دانشگاه می‌شود (ناوینسکی و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع آموزش کارآفرینی باید بتواند منجر به توانمند شدن دانشجویان تا سرحد شروع یک شغل پس از فارغ‌التحصیلی شود (دوسی و سپینی، ۲۰۱۷). اما مطالعه دیگری شناسایی و حل مشکلات با استفاده از تفکر خلاق و انتقادی، سازماندهی و مدیریت توانایی‌ها، رشد فردی، ارتباط و مذاکره موثر، کشف استراتژی‌های مختلف برای یادگیری موثر را مهم‌ترین اهداف آموزش کارآفرینی برشمرد (اسن، ۲۰۱۵).

طبق نتایج به‌دست آمده از مطالعه حاضر، محتوا باید رویکردی بین رشته‌ای، متناسب با نیاز جامعه، مبتنی بر دوره و در جهت ادغام با برنامه‌درسی اصلی باشد و در سه بعد دانش، نگرش و مهارت سازماندهی شود و سرفصل‌های آن متناسب با هر رشته تنظیم شود. در مطالعات دیگر نیز اشاره شده است که محتوا بایستی رویکردی بین رشته‌ای داشته باشد (بای، گو و ونگ،

۲۰۱۷) و مهارت دانشجویان را توسعه دهد و صرفاً مبتنی بر محتوای تعیین شده دانشگاهی نباشد (گامد، ۲۰۱۹). در مطالعه‌ای پیشنهاد شده است که محتوا در بردارنده فعالیت‌های کارآفرینی شامل: خلق عقاید، تولید گروهی، برنامه ریزی شغلی، خلاقیت، نوآوری، شهود، شناسایی فرصت‌ها، فروش، تشکیل شبکه، شناسایی ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و مشروط کارآفرینی، سازگاری با تغییر، داشتن انتظار شکست و در آغوش کشیدن آن باشد. چنین محتوایی بایستی تجربه "کارآفرین بودن" و درک واقعی از بازار را تأمین کند (سیرالختیم و گنجی، ۲۰۱۵).

نتایج مطالعه نشان داد، برای تسهیل در امر یاددهی و یادگیری، دانشجو باید عنصر فعال در این فرایند باشد، زیرا یکی از نیازهای پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه در فراگیران عمل‌گرایی و فعال بودن آن‌هاست. با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف از آموزش کارآفرینی تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه و قصد کارآفرینی در دانشجویان است، می‌توان بدین منظور اصلی‌ترین فعالیت‌های یادگیری را تجربه راه اندازی کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری کسب‌وکار کوچک دانست. همسو با این یافته، پیشنهاد شده است که طراحی یک طرح شغلی، متدهای مشارکتی، همکاری و هرگونه روشی که یادگیری تجربی یعنی یادگیری همراه با دخیل کردن دانشجو در انجام کار را به دنبال داشته باشد، جزء فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی کارآفرینی باشد (اسن، ۲۰۱۵). مطالعه دیگری نیز اشاره می‌کند که اگر بخواهیم، برآیند بهتری از آموزش کارآفرینی داشته باشیم، باید دانشجو را علاوه بر محفوظات نظری به سمت کسب مهارت‌های وسیع‌تر سوق داده و از پتانسیل خلاقانه دانشجو، بهترین بهره را برده و او را در فرایند یادگیری فعال سازیم (آلاچی، ۲۰۱۷).

با توجه به یافته‌های حاصل از سنتز پژوهی، معلم باید از رویکردهای فعال تدریس شامل: یادگیری خدمات محور، شایستگی محور، فراگیر محور، تجربی، عملکرد محور، مشارکتی، پروژه‌ای، مسئله محور، الکترونیک و از راه دور استفاده کند. روش تدریس او باید انعطاف پذیر، خلاقانه، نوین، مبتنی بر نیاز و علاقه فراگیر، بر مبنای تجارب دانشجو و متناسب با محتوا باشد. مطالعه‌ای در رابطه با روش تدریس و آموزش در برنامه درسی کارآفرینی، روش‌های ارتباط تصویری^۲ را پیشنهاد می‌کند. در این روش، استاد می‌تواند، پروژه‌های کارآفرینی را از طریق تصاویر ترکیبی شامل نمودارها و متن‌ها برای دانشجویان ارسال کند و سپس با دانشجویان به بحث و گفتگو بپردازد. چنین روشی علاوه بر جذابیت، ارتقاءدهنده خلاقیت در دانشجویان است

1. Sirelkhatim & Gangi

2. Visual communication methods

و به یادگیری بهتر و علاقه دانشجویان به یادگیری کارآفرینی می‌افزاید و از مشکلات یادگیری می‌کاهد (گونگ، ۲۰۲۰).

مطالعه حاضر نشان داد، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها بایستی تجهیزات و منابع مناسبی برای آموزش کارآفرینی تدارک ببینند. اهداف، سیاست‌ها و قوانین دانشگاه‌ها بایستی اجازه تعامل دانشجو با محیط خارج از دانشگاه را بدهد، سیاست‌های کلی باید در جهت حمایت از برنامه‌های درسی کارآفرینی، دانشجویان کارآفرین، استادان متخصص و کارآفرین باشد. در همین راستا، گفته می‌شود، در دسترس قرار دادن آزمایشگاه‌ها و تجهیز آن به وسایل الکترونیک و کامپیوتر و از آن مهم‌تر، اعطای وام به کارآفرینان برای شروع کسب و کارهای کوچک (کلیفورد، ۲۰۱۴) و وضع قوانین منعطف برای خروج دانشجویان از دانشکده برای شرکت در فعالیت‌های کارآفرینی، منابع حمایتی برای آموزش کارآفرینی هستند (بای، گو و ونگ، ۲۰۱۷).

بنابر یافته‌های سنتز پژوهی مشخص شد، تشکیل گروه‌هایی متشکل از دانشجویان، دانش‌آموختگان، کارآفرینان موفق و همچنین استادان بین رشته‌ای در کلاس درس و حتی خارج از آن، می‌تواند باعث ایجاد انگیزه بیشتر، کمک به یادگیری و رفع مشکلات دانشجویان در حوزه کارآفرینی شود. همسو با این یافته، مطالعه دیگری پیشنهاد می‌دهد، کارگروهی دانشجویان با اهداف حل مسئله، یادگیری مشارکتی، انجام پروژه‌های کسب و کار، بحث در گروه‌های کوچک، یادگیری بازتابی و شبکه‌سازی صورت گیرد. استفاده از یک شبکه خارجی مانند متخصصان و کارآفرینان، می‌تواند چالش‌هایی با تفکر و افزایش عملکرد گروهی به دنبال داشته و منجر به افزایش موفقیت نهایی پروژه کارآفرینی شود (کوبرود و هاگن^۱، ۲۰۱۵).

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد، فضاهای امن و پذیرنده‌ی هرگونه اشتباه، شغل محور و با قابلیت برقراری تعامل متقابل بین دانشجویان و دخیل شدن آن‌ها در فرایند یادگیری که شکوفاکننده و تسهیل‌کننده رشد استعدادها و کارآفرینی دانشجویان باشد، مکان مناسبی برای آموزش کارآفرینی است. در یکی از مطالعات مطرح شده است که محیط یادگیری باید تسهیل‌کننده شکوفایی معنا باشد. فراگیران در چنین محیطی باید احساس امنیت و پذیرش داشته باشند، باید بتوانند خطرات و مزایای جستجوی دانش را درک کنند. محیط باید مجموعه‌ای ایجاد کند تا دانشجویان بتوانند در امر یادگیری درگیر شده، با یکدیگر تعامل داشته و اجتماعی شوند. چنین

محیطی باید رویکردی شغل محور (مشابه محیط شغلی) داشته باشد و وظیفه خاصی در آن دنبال شود (هارکما و پاپسکو، ۲۰۱۵).

بنابر نتایج مطالعه حاضر، برنامه‌درسی کارآفرینی بهتر است با دروس تئوری شروع شود و با دوره‌ای عملی یا کارورزی به پایان برسد. میزان اختصاص زمان به دروس عملی و نظری باید برابر باشد و بهتر است کارآفرینی طی سه تا پنج ترم تحصیلی و به صورت مستمر و تلفیقی با سایر دروس برنامه درسی اصلی ارائه شود. مشابه با این یافته، نتایج مطالعه دیگری نشان داد: برنامه‌درسی کارآفرینی بایستی مستمر بوده و بیش از دوازده هفته طول بکشد (اسلاتری و داناهر، ۲۰۱۵).

منطبق بر یافته‌های مطالعه حاضر، ارزشیابی در برنامه‌های درسی کارآفرینی بایستی ترکیبی از روش‌های ارزشیابی مختلف باشد. انواع روش‌های ارزشیابی به خصوص روش‌های ارزشیابی عملکردی در این برنامه‌ها قابل انجام است که می‌تواند به صورت آگازین، تکوینی و تراکمی انجام شود. نقش بازخورد مداوم استاد به دانشجو، بازخورد به همتا و بازخورد به خود در این فرایند حائز اهمیت است. در باب اهمیت بازخورد در فرایند یادگیری کارآفرینی، در مطالعه دیگری بیان شد که گرفتن بازخورد برای یادگیری کارآفرینی در فراگیران بسیار مهم است و برآیند یادگیری را تقویت می‌سازد. علاوه بر بازخورد استاد به دانشجو، دانشجو نیز باید به عملکرد خود بازخورد بدهد (هارکما و پاپسکو، ۲۰۱۵).

نتایج حاصل از مطالعه حاضر، منجر به تدوین مدلی نظری برای طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی شده است. یافته‌ها نشان داد تربیت دانشجویانی خلاق و کارآفرین برای حل مشکل بیکاری و رشد اقتصادی کشور بسیار مهم است. اصلی‌ترین هدف از آموزش کارآفرینی، تقویت قصد کارآفرینی و تصمیم به راه اندازی کسب و کار پس از فراغت از تحصیل است. برای رسیدن به این هدف، برنامه‌ریزان باید محتوایی با رویکرد بین رشته‌ای، مبتنی بر نیاز شغلی فراگیران و نیاز جامعه، متناسب با هر رشته تحصیلی و تجارب و علایق دانشجویان و با سازماندهی دروس در قالب مهارت‌های مدیریتی، کارآفرینی، عمومی و حرفه‌ای طراحی کنند. چنین محتوایی بایستی با یادگیری عملی و تجربی، نقش فعال فراگیر در فرایند یادگیری و تجربه دنیای واقعی کار همراه شود. استاد یا فرادهنده، نقش راهنما، تسهیل کننده، هدایتگر، بازخورد دهنده و انگیزه بخش دارد. یادگیری درون گروه‌هایی از دانشجویان،

کارآفرینان، دانش‌آموختگان و استادان و انجام پروژه‌ها به صورت گروهی، بازدهی آموزش را ارتقاء می‌بخشد. کارآفرینی در هر مکان امن و پذیرنده‌ای میسر خواهد بود که امکان دخالت فراگیر در فرایند یادگیری و مشارکت در پروژه‌های کسب و کار و تجربه واقعی سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی شغل را ایجاد کند. فرایند آموزش کارآفرینی نباید به یک دوره مجزا خلاصه شود، بلکه بهتر است طی سال‌های تحصیل در دانشگاه و به صورت تلفیق یافته با سایر دروس ارائه گردد. شیوه‌های ارزشیابی دانشجویان بایستی عملکردی و همراه با بازخورد سازنده بوده و در مراحل مختلف آموزش به کار گرفته شوند. چنانچه برنامه‌های درسی به نحوی طراحی شوند که بتوانند توسعه فردی، خودکارآمدی، استقلال، خلاقیت، نوآوری، اعتماد به نفس و شناخت فرصت‌های رشته و انتقال دانش به جامعه را به فراگیران آموزش بدهند و دانشگاه‌ها نیز آموزش کارآفرینی را سرلوحه کار خود قرار دهند، قطعاً دانشجویان کارآفرین و خوداشتغال خواهند شد و با ورود چنین دانش‌آموختگانی به جامعه، رونق اقتصادی در جامعه سرعت بیشتری خواهد گرفت. اما چنانچه برنامه‌های درسی نتوانند رسالت اصلی خود را در جهت تربیت دانشجویان کارآفرین تنظیم نمایند، سیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان ناکارآمد و وابسته، به جامعه وارد می‌شوند که این امر نتیجه‌ای جز رکود اقتصادی و عقب ماندگی کشور در بر نخواهد داشت.

مطابق با یافته‌های سنتز پژوهی حاضر، اهداف آموزش کارآفرینی بایستی مبتنی بر تربیت دانشجویانی خلاق، نوآور و کارآفرین باشد و محتوا مبتنی بر نیاز، منعطف، بین رشته‌ای و در جهت تقویت دانش، نگرش و مهارت کارآفرینی دانشجویان طراحی شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود، سه درس "مدیریت عمومی"، "مبانی و اصول مدیریت آموزشی" و همچنین "کارآفرینی آموزشی" با هدف خلاقیت، نوآوری و ارتقای مهارت‌های کارآفرینی بازطراحی و اصلاح شود و یک درس با نام "خلاقیت و نوآوری" به سرفصل رشته علوم تربیتی اضافه شود. یافته‌های مطالعه تبیین کرد که روش تدریس یا نقش استاد، یک مؤلفه تاثیرگذار در امر کارآفرینی دانشجویان است، بنابراین پیشنهاد می‌شود نقش استادان پررنگ‌تر شده و از افرادی برای تدریس کارآفرینی دعوت شود که رویکرد کارآفرینی داشته و بتوانند خوب اندیشیدن، عمل فکورانه، مهارت‌های تفکر، صبر و شکیبایی در یافتن پاسخ مسائل، مشاهده عمیق پدیده‌ها، ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و غیره را به دانشجویان بیاموزند و در جهت ایجاد روحیه کارآفرینی در فراگیران گام بردارند. با توجه به یافته مطالعه حاضر در زمینه مواد و منابع، می‌توان پیشنهاد کرد، سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی دستورالعمل‌ها و سیاست‌هایی

برای حمایت از دانشجویان کارآفرین تدوین کنند. یافته‌های سنتز پژوهی حاضر نشان داد، یکی از بهترین فعالیت‌های یادگیری برای آموزش کارآفرینی، تجربه کارآفرینی در دنیای واقعی کار است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولان دانشگاهی، شرایط را طوری مهیا کنند که دانشجو بتواند بر روی پروژه‌های کسب و کار کوچک کار کند تا قصد کارآفرینی او بعد از اتمام تحصیل تقویت شود. بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بایستی محیطی کارآفرین با امکان تعامل بین دانشجویان، دخیل شدن آن‌ها در فرایند یادگیری و با خصوصیات شبه واقعی شغلی تدارک ببینند. یافته‌های مطالعه حاضر بر مستمر بودن آموزش کارآفرینی در طی دوره آموزشی و تلفیق آن با سایر دروس تأکید داشتند، بنابراین پیشنهاد می‌شود، برنامه درسی کارآفرینی به یک دوره کوتاه یا کارگاه آموزشی محدود نباشد و در چند ترم متوالی در کنار سایر دروس، ارائه شود. با توجه به یافته مطالعه حاضر در زمینه نقش گروه‌بندی، پیشنهاد می‌شود، انجام پروژه‌های کسب و کار در قالب گروه‌های دانشجویی صورت گیرد تا علاوه بر تقویت برآیند یادگیری، مهارت‌های رهبری، مدیریت تضاد، مدیریت تغییر و سایر مهارت‌های پویایی گروه را در دانشجویان ارتقاء بخشد. مبتنی بر نتایج این مطالعه، پیشنهاد می‌شود، روش‌های ارزشیابی مختلفی به صورت تلفیقی به کار گرفته شود و تأکید آن بر گرفتن بازخورد در مورد ایده‌های کارآفرینانه باشد تا علاوه بر ارزشیابی یادگیری، انگیزه دانشجویان برای کار بر روی پروژه‌های کارآفرینی ارتقاء یابد.

پیشنهادات پژوهشی

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، مطالعات مشابهی برای مقاطع دبستان و دبیرستان و دیگر رشته‌های دانشگاهی انجام دهند. تعداد کمی از مطالعات پیرامون آموزش کارآفرینی به صورت سنتز پژوهی یا مرور نظام‌مند در دسترس است، بنابراین، انجام چنین مطالعاتی برای کسب دیدگاهی جامع از آموزش کارآفرینی پیشنهاد می‌شود. الگوی به دست آمده از مطالعه حاضر می‌تواند در مطالعات مداخله‌ای یا اقدام پژوهی مورد استفاده قرار گرفته تا در صورت تایید اثربخشی به صورت گسترده در دانشگاه‌های مختلف اجرا شود.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش دیدگاهی کلی نسبت به برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی داشت و از نتایج مطالعات مختلفی برای طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی بهره برد، اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به پیشینه پژوهشی اندک در حوزه برنامه‌درسی کارآفرینی در رشته علوم تربیتی اشاره کرد.

منابع

- Adib Haj Bagheri, M., Parvizi, S., & Salsali, M. (2015). *Qualitative Research Methods*. Tehran: Boshra (Text in Persian).
- Ahmadpour, M. (2012). *Entrepreneurship; Definitions, Theories, Patterns*. Tehran: Jajarmi (Text in Persian).
- Ahmadpour, M., & Moghimi, S. M. (2011). *Foundamentals Of Entrepreneurship*. Tehran: FarAndish (Text in Persian).
- Alachi, O. V. (2017). Creative And Functional Curriculum: Entrepreneurship Education as A Panacea To Comatose Economy. *International Journal of Academia*, 4(1), 1-7.
- Almanasreh, E., Moles, R., & Chen, T. F. (2019). Evaluation Of Methods Used for Estimating Content Validity. *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 15(2), 214-221.
- Alsubaie, M. A. (2016). Curriculum Development: Teacher Involvement in Curriculum Development. *Journal of Education and Practice*, 7(9), 106-107.
- Bai, B., Guo, A.-j., & Wang, X.-w. (2017). The Study on Innovation and Entrepreneurship Curriculum System Construction Under "Government-University-Enterprise" Collaboration Mechanism. *Journal of Education and Practice*, 7(9), 106-107.
- Bavafa, D., Dehghani, M., Javadipour, M., & Mohammad Kazemi, R. (2020). Study Of Entrepreneurial Competencies in The Curriculum of Educational Sciences: A Research-Synthesis. *Higher Education Curriculum Studies*, 10(20), 187-206 (Text in Persian).
- Boger, E., Ellis, J., Latter, S., Foster, C., Kennedy, A., Jones, F., . . . Demain, S. (2015). Self-management And Self-management Support Outcomes: A Systematic Review and Mixed Research Synthesis of Stakeholder Views. *PloS one*, 10(7), 1-25.
- Clifford, O. E. (2014). Entrepreneurship Education: An Imperative in Social Studies Education Curriculum for Self-eliant And National Security in Nigeria. *Journal of Resourcefulness and Distinction*, 9(1), 1-9.
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2011). *Designing And Conducting Mixed Methods Research*. Tehran: Aijh (Text in Persian).
- Deveci, I., & Cepni, S. (2017). The Effect of Entrepreneurship Education Modules Integrated with Science Education on The Entrepreneurial Characteristics of Pre-Service Science Teachers. *Social Work*, 15(2), 56-85.

- Esene, R. A. (2015). Implementation Of Entrepreneurship Development Education Curriculum of Polytechnic Education Towards Unemployment Reduction Among Graduates of Office Technology and Management in The Nigerian South-South Zone. *European Journal of Research and Reflection in Management Sciences Vol*, 3(1), 1-13.
- Gamede, B. T., & Uleanya, C. (2019). Impact Of Entrepreneurship Education on Business Organisations. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(2), 1-11.
- Gong, C. (2020, March). Research on Design Thinking Transforming the Curriculum of Entrepreneurship Education. In *4th International Conference on Culture, Education and Economic Development of Modern Society (ICCESE 2020)* (pp. 791-794). Atlantis Press.
- Hakimzadeh, R., Dehghani, M., Zali, M. R., & Malekipour, A. (2016). Comparative Study Of Entrepreneurship Education Curriculum In The Field Of Social Sciences And Behavioral Sciences At The University Of Tehran With The World's Leading Universities. *Biannual Journal, University Textbooks; Research and Writing*, 20(38), 89-113 (Text in Persian).
- Harkema, S., & Popescu, F. (2015). Entrepreneurship Education For Adults: A Case-study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 209, 213-220.
- Kapil, P., & Chaudhary, S. (2015). Entrepreneurship Education as A Part of Academic Curriculum: A Systematic Review of Facts and Evidence. *International Journal of Business Management and Scientific Research*, 12, 1-8.
- Kennedy, H. P. (2004). Enhancing Delphi Research: Methods and Results. *Journal of advanced nursing*, 45(5), 504-511.
- Kossary, M., & Norouzzadeh, R. (2010). Description Of the Characteristics of The Quadruplet Elements Undergraduate Curriculum with Emphasis on Training Entrepreneurship Skills. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15(4), 1-18 (Text in Persian).
- Kubberod, E., & Hagen, S. T. (2015, July). *Mentoring models in entrepreneurship education* (pp. 4059-4069). In 7th International Conference on Education and New Learning Technologies, Edulearn15 Proceedings, Barcelona.
- Kurasaki, K. S. (2000). Intercoder Reliability for Validating Conclusions Drawn from Open-Ended Interview Data. *Field methods*, 12(3), 179-194.
- Kvale, S. (1994). Ten Standard Objections to Qualitative Research Interviews. *Journal of phenomenological psychology*, 25(2), 147-173.
- Mazbouhi, M. S. M. M. S. (2016). Entrepreneurship Curriculum: Objectives, Content, Teaching Methods And Evaluation. *Innovation and Creativity in Human Sciences*, 1(3), 97-136 (Text in Persian).
- Ministry of Science, R. a. T. (2016). *Curriculum Approved For The Undergraduate Course Of Educational Sciences*. Tehran (Text in Persian). <https://prog.msrt.ir>
- Mohammadbeigi, A., Mohammadsalehi, N., & Aligol, M. (2014). Validity and Reliability of the Instruments and Types of MeasurementS in Health Applied Researches. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 13(12), 1153-1170 (Text in Persian).
- Movahedi, R., Heidari Tarazak, K., & Saadi, H. (2016). The Situation Of Entrepreneurship Curriculum In Agricultural Faculty Of Bu-Ali Sina, Razi And Kurdistan Universities. *Journals Management System*, 8(36), 64-76. . (Text in Persian).

- Mulenga, I. M. (2018). Conceptualization And Definition of a Curriculum. *Journal of Lexicography and Terminology*, 2(2), 1-23.
- Nowiński, W., Haddoud, M. Y., Lančarič, D., Egerová, D., & Czeplédi, C. (2019). The Impact of Entrepreneurship Education, Entrepreneurial Self-Efficacy and Gender on Entrepreneurial Intentions of University Students in The Visegrad Countries. *Studies in Higher Education*, 44(2), 361-379.
- Roberts, J. (1983). Quick Turnaround Synthesis/Interpretation for Practitioners. In S. A. W. L. J. Reed (Ed.), *Knowledge Structure and Use: Implications for Synthesis and Interpretation* (pp. 423-486). Philadelphia: Temple University Press.
- Sandelowski, M., Voils, C. I., & Barroso, J. (2006). Defining And Designing Mixed Research Synthesis Studies. *Research in the schools: a nationally refereed journal sponsored by the Mid-South Educational Research Association and the University of Alabama*, 13(1), 1-15.
- Santos, S. C., Neumeyer, X., & Morris, M. H. (2019). Entrepreneurship Education in A Poverty Context: An Empowerment Perspective. *Journal of Small Business Management*, 57(sup1), 6-32.
- Seif Naraghi, M., & Oladian, M. (2011). Comparison of entrepreneurial attitude based on personal characteristics and job and educational variables regarding the factors affecting entrepreneurship development in the undergraduate curriculum of educational sciences. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 3(2), 113-132 (Text in Persian).
- Short, E. C. (2013). *Forms of Curriculum Inquiry* (Translated by: Mahmood Mehrmohammadi). Tehran: SAMT (Text in Persian).
- Sirelkhatim, F., & Gangi, Y. (2015). Entrepreneurship Education: A Systematic Literature Review of Curricula Contents and Teaching Methods. *Cogent Business & Management*, 2(1), 1-11.
- Slattery, G., & Danaher, M. (2015). Curriculum Design: A Gestalt Approach to The Pedagogy of Entrepreneurship Education with Postgraduate Student Teachers in An Irish University. *Journal for Educators, Teachers and Trainers*, 6(1), 109-123.
- Tang, T. (2018, January). Teaching reform of E-commerce major in Higher Vocational Education from the perspective of innovation and Entrepreneurship. In *2017 5th International Education, Economics, Social Science, Arts, Sports and Management Engineering Conference (IEESASM 2017)* (pp. 517-520). Atlantis Press.
- Tehran Chamber of Commerce, I. (2013). *Survey Of economic Participation Rate and Unemployment Rate of University Graduates in The Years 1389 to 1392*. Retrieved from Tehran (Text in Persian).
- Yadollahi Farsi, J., & Mirarab Razi, R. (2009). A Survey of Entrepreneurship Curriculum Development in The Field of Education. *Journal of Entrepreneurship Development*, 2(1), 61-80 (Text in Persian).

